

بررسی تهدیدها و فرصت‌های پیش روی هیأت مذهبی

در الگوسازی اخلاقی، معنوی و انقلابی جامعه

فریدون (حسین) محمدی فام^۱

چکیده

هیأت‌های مذهبی از مهمترین بسترهای انسان‌سازی در طول تاریخ تشیع هستند. در آستانه ورود به گام دوم انقلاب اسلامی می‌توان از این بستر برای الگوسازی اخلاقی، معنوی و انقلابی جامعه بهره برد. پیش‌روی این مهم، تهدیدها و فرصت‌هایی است که غفلت از آنها الگوسازی هیأت و نقش آفرینی آنان در تمدن‌سازی نوین اسلامی را با کندی مواجه می‌سازد. مهمترین این تهدیدها عبارتند از: غلبه احساسات بر معارف، تهی شدن از معارف ناب، عمل‌زدایی، تبدیل جلسات به مسکن وجدان و سکولاریسم دینی. فرصت‌های پیش‌روی هیأت مذهبی نیز عبارتند از: حضور داوطلبانه جوانان، امکان تدریس مداوم آموزه‌های دینی، امکان ترویج روحیه انقلابی، بستر مناسب انسجام و وحدت آفرینی و بسیج برای خدمت-رسانی گسترده به مردم.

کلمات کلیدی: هیأت مذهبی، تهدید، فرصت، الگوسازی

مقدمه

چهل سال دوم انقلاب اسلامی، گامی بسوی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است و این تصریح سطور ابتدائی بیانیه گام دوم انقلاب است.^۲ در سال‌های آینده باید انقلاب اسلامی بسوی آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، حرکت کرده و به آن نزدیک شود.^۳ این مهم نیازمند

۱ دکترای تخصصی مذاهب کلامی از دانشگاه ادیان و مذاهب. Hosseinfam110@gmail.com. 09125040533

۲ برگرفته از متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

۳ برگرفته از متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

حرکتی همه جانبه و در تمام سطوح جامعه با بهره گیری از همه ظرفیت‌های موجود در اقشار، اصناف و تشکل‌های گوناگون است.

یکی از مهم‌ترین بسترهای انسان‌ساز که در طول تاریخ تشیع، منشأ تربیت فردی و تأثیرگذاری اجتماعی بوده است، جلسات اهل بیت علیهم السلام یا هیأت مذهبی است. این محافل دینی که از زمان حضور امامان تا کنون ادامه دارد، جلساتی است که در آن معارف دینی و سخنان و دستورات اهل بیت علیهم السلام بیان گشته و ذکر مصائب آن بزرگواران و بالاخص شهدای کربلا بازگو می‌گردد. نوع این جلسات همواره مورد تأیید ائمه شیعه علیهم السلام و علما، فقها و مراجع دینی بوده است.

معتقدیم که اگر این محافل دینی، از آسیب‌ها و انحرافات دور بوده و در مسیر صحیح، از فرصت‌های پیش روی خود استفاده کنند، می‌توانند در بهینه‌سازی معرفتی، اخلاقی، معنوی و انقلابی جامعه تأثیر بسزا داشته باشند.

این مقاله به بررسی برخی تهدیدها و فرصت‌های پیش روی هیأت مذهبی در الگوسازی اخلاقی، معنوی و انقلابی جامعه می‌پردازد. امید است که مثمر ثمر واقع شود.

پیش‌گفتار

در مقدمه بیان شد که هیأت مذهبی و جلسات اهل بیت، همواره مورد تأیید ائمه شیعه علیهم السلام و به تبع آن علما، فقها و مراجع دینی بوده است. در این پیش‌گفتار به برخی از مستندات این مدعا اشاره می‌کنیم:

الف؛ اهمیت هیأت مذهبی در روایات ائمه اطهار علیهم السلام

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که به فضیل فرمودند: «تَجَلِسُونَ وَ تُحَدِّثُونَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسُ أَحِبُّهَا فَأَحْيُوا أَمْرَنَا - رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا. يَا فَضِيلُ - مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ عَنْ عَيْنَيْهِ مِثْلُ جَنَاحِ الدُّبَابِ - غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ.» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ج ۱۲، ص ۲۰) یعنی امام صادق علیه السلام از فضیل پرسید: «آیا (دور هم) می‌نشینید و حدیث و سخن (از ما) می‌گویید؟ گفت: آری قربانت گردم. فرمود: اینگونه مجالس را دوست دارم، پس امر (امامت) ما را زنده بدارید. خدای رحمت کند کسی را که امر و راه ما را احیا کند ای فضیل! هر که ما را یاد کند یا نزد او ذکری از ما بشود و به اندازه پر مگسی اشک از چشمش خارج شود خدا گناهانش را می‌آمرزد گرچه از کف دریا (سطح دریا) بیشتر باشد.» در ابتدای این حدیث آمده

است «تجلسون و تحدثون» یعنی سخن اهل بیت علیهم السلام و درباره آنان گفته شود و ذیل روایت نیز نشان دهنده این است که یکی از نشانه های احیاء امر اهل بیت علیهم السلام گریه بر ایشان و برپایی مجلس روضه است.

در روایتی از امام رضا علیه السلام نیز اینچنین آمده است: «مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا فَبَكَى وَ أَبَكَى - لَمْ تَبْكْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ - وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيَا فِيهِ أَمْرُنَا - لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ.» (بحرانی، ۱۳۷۴ ش: ج ۳، ص ۵۰۸) یعنی: «هر که مصائب ما اهل بیت عصمت و طهارت را یادآور شود و گریه کند یا دیگری را بگریاند، روزی که همه گریان باشند او نخواهد گریست، و هر که در مجلسی بنشیند که امر ما در آن زنده می شود، در روزی که همه دلها مرده است، زنده دل خواهد بود.» از این حدیث و روایت قبلش می فهمیم که برگزاری این گونه مجالس در روایات ما موضوعیت دارد.

از دو روایت فوق درمی یابیم که احیاء امر اهل بیت علیهم السلام مهمترین وظیفه جلسات و هیأت مذهبی است. در روایات گوناگون، موارد دیگری نیز مصداق این احیاء امر دانسته شده است مانند: فراگیری و آموزش علوم و معارف دینی. امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا - قُلْتُ كَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ - قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يُعَلِّمُهَا النَّاسَ - فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا الْحَدِيثَ.» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ج ۷، ص ۹۲) یعنی ایشان فرمود: «رحمت خدا بر کسی باد که امر ما را زنده نماید، سؤال شد: چگونه؟ حضرت پاسخ داد: علوم ما را فرا گیرد و به دیگران بیاموزد.»

از دو روایت اخیر امام هشتم که در هر کدام به یک مصداق احیای امر آل الله علیهم السلام اشاره شده است، درمی یابیم که دو پایه اصلی جلسات اهل بیت علیهم السلام باید «بیان معارف» و «ذکر مصائب» آنان باشد.

لزوم برپایی جلسات روضه خانگی نیز از روایات و احادیث فهمیده می شود. از امام صادق علیه السلام در این زمینه روایت شده است که فرمود: «يَا عَلْقَمَةُ وَ اَنْدَبُوا الْحُسَيْنَ (ع) وَ ابْكُوهُ وَ لِيَأْمُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ فِي دَارِهِ بِالْبُكَاءِ عَلَيْهِ وَ لِيَقِمَ عَلَيْهِ فِي دَارِهِ الْمُصِيبَةَ بِإِظْهَارِ الْجَزَعِ وَ الْبُكَاءِ وَ تَلَاقُوا يَوْمَئِذٍ بِالْبُكَاءِ بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ فِي الْبُيُوتِ.» (نوری، ۱۴۰۸ ق: ج ۱۰، ص ۳۱۶) یعنی: «ای علقمه برای امام حسین (ع) ندبه و گریه کنید. اهل منزل خویش را نیز امر بر گریه و اقامه عزا نما. هر کس از شما می بایست در خانه خویش اقامه عزا به همراه جزع و گریه نماید و همدیگر را در خانه هایتان در حال گریه ببینید.»

از مجموع روایات فوق که بخش کوچکی از احادیث موجود در این باره است، اهمیت برپایی جلسات اهل بیت علیهم السلام یا همان هیأت مذهبی را متوجه می شویم.

ب؛ اهمیت هیأت مذهبی در سخنان امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب

برپایی مجالس عزاداری و هیأت هفتگی و مانند آن در طول تاریخ شیعه، همواره مورد تأکید علما و رهبران دینی بوده است. علماء، فقهاء، عرفاء و مراجع معظم تقلید همواره مردم را به برپایی این گونه جلسات تشویق کرده و خود از برپاکنندگان چنین محافلی بوده‌اند. ما در این قسمت فقط به چند جمله از بیانات بنیانگذار انقلاب اسلامی مرحوم امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری بسنده کرده و پس از آن وارد بحث اصلی این نوشتار می‌شویم.

امام خمینی(ره) می‌گوید: «روضه سید الشهداء برای حفظ مکتب سید الشهداء است. آن کسانی که می‌گویند روضه سید الشهداء را نخوانید اصلاً نمی‌فهمند مکتب سید الشهداء چه بوده و نمی‌دانند یعنی چه؛ نمی‌دانند این گریه‌ها و این روضه‌ها حفظ کرده این مکتب را. الآن هزار و چهار صد سال است که با این منبرها و با این روضه‌ها و با این مصیبت‌ها و با این سینه‌زنیها ما را حفظ کرده‌اند؛ تا حالا آورده‌اند اسلام را.» (امام خمینی، بی تا: ج ۸، ص ۵۲۶) وی در جای دیگری گفته است: «هر مکتبی هياهو می‌خواهد، باید پایش سینه بزند، هر مکتبی تا پایش سینه زن نباشد، تا پایش گریه کن نباشد، تا پایش توی سر و سینه زدن نباشد، حفظ نمی‌شود. اینها اشتباه می‌کنند، بچه‌اند اینها! نمی‌دانند که این نقش روحانیت و نقش اهل منبر چی هست در اسلام، خودتان هم شاید خیلی ندانید! این نقش یک نقشی است که اسلام را همیشه زنده نگه داشته، آن گلی است که هی آب به آن می‌دهند زنده نگه داشته، این گریه‌ها زنده نگه داشته مکتب سید الشهداء را؛ این ذکر مصیبت‌ها زنده نگه داشته مکتب سید الشهداء را.» (همان، ص ۵۲۷)

جالب است که در اوج خفقان بوجود آمده توسط رژیم سفاک پهلوی، امام خمینی(ره) دستور به برگزاری هیأت داده و می‌گوید: «حضرات مبلغین عظام، هیأت محترم، و سران دسته‌های عزادار متذکر شوند که لازم است فریضه دینی خود را در این ایام در اجتماعات مسلمین ادا کنند، و از سید مظلومان فداکاری در راه احیای شریعت را فرا گیرند، و از توهم چند روز حبس و زجر نترسند.» (همان، ج ۱، ص ۲۲۹)

رهبر معظم انقلاب اسلامی هم بارها بر اهمیت هیأت مذهبی اشاره کرده و خود از برپاکنندگان مجالس روضه در حسینیه بیت خویش است. وی همواره بر قدردانی این نعمت بزرگ تأکید کرده است: «اینکه در اعلامیه می‌نویسند که یک مدّاحی فلان جا می‌رود و مردم هجوم می‌آورند می‌روند گوش می‌کنند، این را ما داریم، دیگران ندارند؛ این نعمت است، این را قدر

بدانیم.... یکی از ابزارهای بصیرت‌افزایی و تحکیم معارف انقلاب و اسلام که ما داریم و دیگران در دنیا معمولاً ندارند، همین مدّاحی، روضه‌خوانی، منبر و مجالس مردمی است؛ این در دنیا معمول نیست.»^۴

بعد دیگر اهمیت هیأت برای رهبری انقلاب، توصیه‌هایی است که ایشان برای اهل منبر و بالخصوص مدّاحان داشته‌اند که در خلال بحث به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

این نوشتار درصدد بررسی اجمالی برخی تهدیدها و فرصت‌های پیش روی هیأت مذهبی است. تهدیدها و فرصت‌هایی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم در الگوسازی اخلاقی، معنوی و انقلابی جامعه اثر داشته و در گام دوم انقلاب و حرکت بسوی تمدن‌سازی نباید از آنها غفلت کرد.

پیش از ورود به بخش اصلی نوشتار، لازم است که مقصود خود از عبارت "الگوسازی اخلاقی، معنوی و انقلابی جامعه" را بیان کنیم. الگوسازی یعنی فرایندی که طی آن در ذهن مخاطب الگوهایی از آنچه مورد نظر است، ترسیم می‌گردد؛ مامعتقدیم می‌توان با ظرفیت‌های موجود در هیأت مذهبی، بهترین الگوسازی را برای مخاطبان و بالخصوص جوانان انجام داد. الگوسازی به تعبیر رهبر معظم انقلاب، یکی از اساسی‌ترین کارهاست.^۵ این الگوسازی باید در سه بعد انجام گردد:

"الگوسازی اخلاقی": منظور ما از اخلاق، خودسازی و دیگرسازی (تربیت) است. هیأت می‌تواند به جوان ما الگوهایی بدهد که او اهل خودسازی شود. از سوی دیگر هیأت محملی برای تربیت و دیگرسازی است. "الگوسازی معنوی": در هیأت مذهبی الگوهایی مطرح می‌شوند که اسوه قرار دادن آنان ما را از فضای این دنیای مادی جدا کرده و به معنویت و عالم معنا متوجه می‌سازد. "الگوسازی انقلابی": شهدای کربلا بالاترین الگوهای انقلابی تاریخ هستند که برای دفاع از حریم ولایت و مبارزه با ظلم جان خود را فدا کرده و با کام عطشان به لقاء حق رسیدند. جلسات امام حسین علیه السلام بهترین مرکز تربیت نیروهای جان بر کف انقلابی است و بالاترین الگوهای انقلابی گری صحیح و بدور از افراط، در آن ارائه می‌شود.

خاطر نشان می‌سازد در تعریف "تهدید و فرصت" بسیاری چنین گفته‌اند که "قوت و ضعف" مربوط به عوامل داخلی و "فرصت و تهدید" مربوط به عوامل بیرونی هستند اما در این نوشتار نویسنده "تهدید و فرصت" را در معنای عام - و آنچه عموم مردم می‌فهمند - گرفته و آن را منحصر در عوامل بیرونی نمی‌داند.

۴ بیانات مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۲۴ <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=33819&nt=2&year=1395#63889>

۵ بیانات مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۳ <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2199>

با این مبادی مطرح شده، به سراغ بررسی تهدیدها و فرصت‌های پیش روی هیأت مذهبی در الگوسازی اخلاقی، معنوی و انقلابی جامعه می‌رویم. ابتدا تهدیدها و سپس فرصت‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- تهدیدها:

منظور ما از تهدیدها عواملی است که اگر در هیأت مذهبی پیدا و تقویت شوند، موجب تضعیف قوه الگوسازی در سه بعد اخلاقی، معنوی و انقلابی می‌گردند. بعضی از این تهدیدها در برخی جلسات زمان کنونی دیده شده است، برخی موردی است اما برخی در حال گسترش و فراگیر شدن است که اگر برای آنها فکری نشود، در آینده نزدیک موجب بروز مشکلاتی خواهد شد.

۱-۱ غلبه احساسات بر معارف

جلسات اهل بیت علیهم السلام بطور عمده و اصولی دارای دو بعد و وظیفه هستند. یکی تبیین و گسترش معارف اهل بیت علیهم السلام و دیگری ترویج و تعمیق محبت آن بزرگواران در قلوب مردم. در پیش‌گفتار این مقاله دو روایت از امام هشتم نقل کردیم که در هر کدام به یک مصداق احیای امر اهل بیت علیهم السلام اشاره شده بود، یکی از آن دو «بیان معارف» و دیگری «ذکر مصائب» آنان بود.

هم اکنون نیز جلسات مذهبی و هیأت ما دارای دو بخش اصلی است: یکی منبر و سخنرانی است که در این بخش، معارف دین و قرآن، عقاید اسلامی و شیعی، نهج البلاغه، فلسفه قیام سیدالشهداء علیه السلام، مباحث تاریخ اسلام، عرفان و... بیان می‌شود. بخش دوم جلسات به مداحی اختصاص دارد که در این بخش بیشتر احساسات مردم در محبت به حضرات معصومین و شهدای کربلا علیهم السلام، تحریک شده، با گریه در ایام شهادت و جشن و سرور در ایام موالید حضرات، تبلور می‌یابد. این مهم در سخنان رهبر انقلاب هم منعکس است که فرمودند: «اساس حرکت عمومی تشیع علاوه بر منطق قوی بر عواطف بود. از روز اول تا امروز در کنار عقل، عشق حضور جدی داشت؛ برای همین هم حرکت تشیع نابود نشد یعنی از بین نرفت و الا باید صد مرتبه در امواج متلاطم سیاست‌های متعرض و عنان‌آلود نابود شده بود. منطق قوی است. یعنی صرف عواطف نیست، اما منطق تنها هم نیست. عواطف هم با آن درآمیخته است. این از آن جاهایی است که عقل و عشق با هم می‌سازد.»^۶

یکی از آفات و تهدیدهای پیش روی هیأت مذهبی غلبه بخش احساسات بر بخش معارف است. یعنی در مجموعه هیأت، بیشتر به احساسات دینی پرداخته شود و کمتر معارف اسلامی بازگو گردد. برای مثال جلسه سخنران نداشته باشد و مانند برخی محافل، پس از تلاوت یک زیارت عاشورا، مداحی شروع شود. چنین جلسه‌ای هر قدر هم که باشکوه باشد، نمی‌تواند در بعد اخلاقی و یا انقلابی الگوسازی کند. شاید معنویات را رشد دهد اما در ابعاد دیگر، بدون تبیین آموزه‌های دینی امکان رشد وجود ندارد و یا در حداقلی‌ترین حالت است.

آسیبی که چندی است در جلسات مذهبی - گاهی بزرگ - هم دیده می‌شود این است که واعظ یا منبری و خطیب، بخش بیشتری از سخنرانی خود را معطوف به مباحثی می‌کند که در همان حوزه عواطف و احساسات تعریف می‌شود. فی‌المثل بیشتر درباره لزوم محبت اهل بیت علیهم السلام سخن گفته و بخش زیادی از وقتش را به خواندن روضه و شعر و ... اختصاص می‌دهد حال آنکه وظیفه سخنران، بیان تفسیر قرآن و نهج البلاغه، تبیین روایات اهل بیت علیهم السلام در حوزه‌هایی چون سبک زندگی، اخلاق اسلامی، سلوک معنوی و جهاد اکبر، تاریخ اسلام، حماسه در کربلا و مانند آن، است و در پایان هم برای تحویل دادن مجلس به ذاکر و مداح، کمی سخنان احساسی گفته و با بیان بخشی از مقتل و روضه، مجلس را به مرثیه سرا تحویل می‌دهد. این که هم اکنون برخی خطبا بیشتر نقش مداحی و مقتل خوانی دارند تا رشد عقول و معارف مردم، آفتی است که باید برای آن چاره کرد.

اهمیت یادگیری صحیح دین - که در لسان روایات از آن به "تفقه در دین" یاد می‌شود - بسیار مورد تأکید حضرات معصومین علیهم السلام بوده تا جایی که از امام هشتم علیه السلام منقول است که فرمود: «لَوْ وَجَدْتُ شَابًا مِنْ شُبَّانِ الشَّيْخَةِ لَا يَتَفَقَّهُ لَضَرَبْتُهُ ضَرْبَةً بِالسَّيْفِ». (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۷۵، ص ۳۴۶) یعنی: اگر جوانی از جوانان شیعه را بیابم که تفقه (فهم عمیق) در دین ندارد، او را با شمشیر به یک ضربه می‌زنم. البته "بیست تازیانه" هم روایت شده است. حال آیا بجاست که موضوعی با این اهمیت را در جلسات اهل بیت علیهم السلام کمرنگ کنیم؟

مقام معظم رهبری تا جایی که به این بُعد از جلسات اهمیت قائل هستند که معتقدند حتی در مداحی هم علاوه بر تحریک عواطف، باید به ترویج معارف پرداخت: «نباید بگذارید منبر ده دقیقه‌ی یا بیست دقیقه‌ی شما از معارف خالی بماند... در منبر مداحی حتماً در اول، فصلی اختصاص بدهید به نصیحت یا بیان معارف به زبان زیبای شعر.»^۷

اگر هیأت مذهبی هر دو بعد ترویج معارف و تحریک احساسات را در کنار هم و درست انجام دهند، هیأت می تواند جوانانی پرشور و شعور را تربیت کرده و در تحقق تمدن بزرگ اسلامی نقش آفرینی کند ولی اگر شور بر شعور برتری یافت، در آینده با نسلی مذهبی مواجه خواهیم شد که شور و حرارت زیادی دارند ولی به دلیل کمی معرفت دچار خطا در تشخیص وظیفه می گردند و برای مثال بجای تلاش در راستای حفظ وحدت میان فرق اسلامی، بازوی دشمن در تفرقه افکنی می شوند و کار اشتباه خود را نیز به نام دین و تشیع تمام می کنند؛ این چیزی است که هم اکنون در حد محدود در میان برخی جوانان هیأتی دیده می شود.

خلاصه آنکه معتقدیم هیأتی که شورش بر شعورش غلبه کند نمی تواند نقش الگوسازی خود را صحیح انجام دهد.

۲-۱ تهی شدن از معارف ناب

مسأله دوم، نوع معارفی است که در جلسات ترویج می گردد. گاهی جلساتی دارای سخنرانی منظم و حتی هفتگی هم هستند اما محتوای منبر، از معارف ناب شیعی تهی است. برخی سخنرانان بجای بیان تاریخ اسلام، سیره اهل بیت علیهم السلام، تفسیر قرآن و نهج البلاغه، شرح صحیفه سجادیه و مانند آن، به شرح اشعار شاعران و عرفا پرداخته و یا با مطالب ذوقی که ریشه علمی محکمی نداشته و نقدهایی جدی به آنان وارد است، فرصت سخنرانی خود را طی می کنند. بیان برخی خوابها و رؤیاهایی که معلوم نیست چقدر صحیح و دارای اعتبار است و آن را محور اثبات مطالب اعتقادی قرار دادن نیز از شقوق دیگر این مشکلات است. البته مغفول نماند که شرح شعر، تعریف کردن خواب و یا بیان ذوقیات، لزوماً منفی نیست و گاهی برای خشک نبودن منبر لازم نیز هست اما اینکه محتوای اصلی سخنرانی بر محور نظرات فلان شاعر یا عارف غیر معصوم باشد و به خواب فلان شخص متکی باشد جای تردید و بحث است.

به نظر می رسد محور اصلی هر سخنرانی در بستر هیأت، باید قرآن و حدیث باشد که دو منبع اصلی وحیانی و برگرفته از علم الهی هستند و البته در تفسیر و تحلیل، می توان از نظرات علما و اهل سلوک و حتی شعرا و روشنفکران نیز استفاده کرد؛ اما اینکه در یک سخنرانی مذهبی از ابتدا تا انتها حدیثی وجود نداشته باشد و یا کمرنگ باشد، موضوعی است که می تواند به عنوان یک آفت، انحراف و یا تهدید مورد بررسی جدی قرار بگیرد. امام هشتم علیه السلام فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا فَقُلْتُ لَهُ وَ كَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق: ج ۱، ص ۳۰۷) یعنی: خدا رحمت کند بنده ای را که امر ما را زنده می کند. راوی می گوید پرسیدم که چگونه امر شما زنده می شود؟ فرمود: علوم ما را بیاموزد و به مردم یاد بدهد. همانا که مردم اگر نیکی های کلام ما را بدانند، حتماً از ما

تبعیت خواهند کرد.» به نظر می‌رسد این حدیث به وضوح بر بیان فرمایشات اهل بیت علیهم السلام تأکید داشته و آن را مصداق احیای امر آن بزرگواران می‌داند.

باید سخنرانانی را به جلسات اهل بیت علیهم السلام دعوت کرد که معارف ناب شیعی را شناخته، علم کافی برای تبیین صحیح آن را دارا بوده و می‌توانند آن معارف را به زبان ساده برای عموم مردم تشریح کنند. رهبر معظم انقلاب در این باره معتقد است: «معارف شیعه در اوج اعتلاست. معارف شیعی ما معارفی است که یک فیلسوف در غرب پرورش یافته‌ی با مفاهیم غربی و بزرگ شده‌ی آشنای با معارف فلسفی غرب مثل هانری گربن را می‌آورد دو زانو جلوی علامه‌ی طباطبایی می‌نشاند؛ او را خاضع می‌کند و می‌شود مروج شیعه و معارف آن در اروپا. می‌شود معارف شیعه را در همه‌ی سطوح عرضه کرد؛ از سطوح ذهن متوسط و عامی بگیرد تا سطوح بالاترین فیلسوف‌ها. ما با این معارف نباید شوخی کنیم.»^۸

به نظر می‌رسد این مهم حتی در مداحی‌ها هم باید رعایت گردد. از انجایی که رهبری معتقد است: «مداحی، معرفت‌افزایی است. مداحی، پراکندن معرفت و حکمت و امید و عقیده‌ی راسخ است.»^۹ پس باید معرفت‌افزایی مداحان نیز مبتنی بر معارف عمیق و ناب باشد نه بر پایه مطالب خرافی و یا دست کم، ضعیف‌السند و کم‌اعتبار.

الگوسازی اخلاقی، معنوی و انقلابی وقتی محقق می‌گردد که معارف ناب شیعه در سه حوزه اخلاق اسلامی، عرفان شیعی و انقلابی‌گری ولایی برای مردم و جوانان تبیین و تدریس گردد. بیان آموزش‌گونه معارف ناب اسلامی، الگوهای بی‌نظیری را به مستمعان ارائه می‌دهد که تمسک به هر یک می‌تواند ما را در پیش‌برد تمدن نوین اسلامی یاری کند.

۳-۱ عمل‌زدایی

تهدید دیگری که متوجه جلسات اهل بیت علیهم السلام است و به جد، الگوسازی اخلاقی، معنوی و انقلابی جامعه را مخدوش می‌کند، عمل‌زدایی است. منظور نویسنده از عمل‌زدایی، این است که مستمع یک هیأت طوری تربیت شود که خیال کند عمل او چندان مهم نیست و اعتقاد به ولایت ائمه علیهم السلام برای او کافی است.

می‌دانیم که عمل در مکتب ائمه دین علیهم السلام، یکی از ارکان ایمان است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «الایمان إقرار باللسان، و معرفة بالقلب، و عمل بالارکان. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱۱۰، ص ۲۷) یعنی: ایمان شامل اقرار به زبان، معرفت قلبی و عمل با جوارح است.» در حالی که بوده‌اند گرایش‌هایی در اسلام که عمل را جزو ایمان ندانسته و

۸ بیانات مورخ ۱۳۸۴/۰۵/۰۵ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3298>

۹ بیانات مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۱۱ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22443>

فقط معرفت قلبی را برای ورود به بهشت کافی می‌دانستند مانند مرجئه و برخی از فرق غلات. (حسینی تهرانی، ۱۴۲۶ ش: ج ۱۶-۱۷، ص ۳۹۴)

متأسفانه گاهی بواسطه برخی مطالب سخنرانان در اهمیت ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام و مباحثی مانند شفاعت و فضائل زیارت و... و یا بواسطه برخی اشعار و مطالب ذاکران، چنین وانمود می‌شود که عمل انسان خیلی مهم نیست و اگر کسی ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را دارا باشد با هر عملی ولو پرونده‌ای پر از خطا و عصیان، از عذاب الهی در امان بوده و بواسطه ولایت، ورودش به بهشت رضوان الهی تضمین شده است. حال آنکه قطعاً چنین اعتقادی از مکتب تشیع بدور بوده و بیشتر شبیه عقائد مرجئه و غالیان است. شهید مطهری در این زمینه می‌گوید: «در میان تعلیماتی که ما از پیش خودمان به خودمان می‌دهیم، عمل را تحقیر می‌کنیم. مثلاً می‌گوییم انتساب را به علی بن ابی طالب درست کن، «یا علی» بگو، اسمت شیعه باشد و در دیوان عزاداران حسینی ثبت بشود، همین کافی است. جزو حزب باش. خیال کردیم - العیاذ باللّه - حسین بن علی علیه السلام یک آدم حزب‌باز است و می‌گوید: هر کس که کارت عضویت در اینجا صادر کرد همان کافی است و مصونیت پیدا می‌کند! اساساً فلسفه شهادت حسین بن علی علیه السلام این بود که می‌خواست اسلام را در مرحله عمل زنده کند. اَشْهَدُ اَنْكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ اَتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ اَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ جَاهَدْتَ فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ. یعنی تو کشته شدی که اسلام را در عمل زنده کنی. ولی ما می‌گوییم: نه، او کشته شد برای اینکه عمل را در اسلام بمیراند، انتساب و وابستگی ظاهری را درست کند!» (مطهری، بی تا: ج ۲۵، ص ۴۳۷)

بارها در منابع حسینی گفته شده است که برای مثال طبق روایات، یک قطره اشک بر امام حسین علیه السلام همه گناهان را پاک می‌کند؛ این مضمون روایات فراوانی در کتب روایی اصیل ماست اما شرح و بسط آن بسیار مهم است. اولاً شرط تقوا به حکم آیه «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ: همانا خداوند فقط از اهل تقوا قبول می‌فرماید.»^۱ برای قبول همه اعمال من جمله اشک ریختن بر سیدالشهداء علیه السلام لازم است؛ ثانیاً مومن باید همیشه بین خوف و رجاء باشد و این دسته روایات فقط ناظر به بخش رجاء هستند و روایات خوفی کمتر در جلسات اهل بیت علیهم السلام خوانده می‌شود. برای نمونه حضرت باقر علیه السلام به شیعیان پیام دادند که: «از طرف ما به شیعیان ما ابلاغ کنید که شیعه ما نیست مگر کسی که اهل ورع و پارسایی و تقوا و اجتهاد (کوشش) باشد.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۷۱، ص ۱۷۹)

اگر مستمع ما پس از چند سال نشستن در جلسات به این باور برسد که به رغم داشتن گناهان زیاد، بواسطه هیأت و زیارت و ولایت و با کمک شفاعت به نجات ابدی دست پیدا خواهد کرد اولاً از انجام گناه -العیاذ بالله- حیا نمی‌کند؛ ثانیاً فردی ضعیف النفس بار می‌آید که با روحیه اخلاقی و فضای معنوی و انقلابی فرسنگ‌ها فاصله دارد.

۴-۱ تبدیل جلسات به مسکن وجدان

جلسات شیعی باید جلساتی انسان‌ساز و تربیت‌کننده شهید حججی‌ها^{۱۱} باشد. هیأت امام حسین علیه السلام باید افراد را فعال، پویا، مجاهد و اهل خدمت‌رسانی به مردم، اسلام و انقلاب تربیت کند. اگر جلسات ما بجای "دردمندی" روحیه "حال کردن" را منتقل کند و مردم بجای حضور برای تربیت شدن، صرفاً برای لذت معنوی در هیأت حاضر شوند، مجالس اهل بیت علیهم السلام از کارایی اصلی خود بازمانده، به مسکن وجدان تبدیل خواهند شد.

انسانی در طول هفته مرتکب خطاها و خدای ناکرده گناهانی می‌شود. فرض کنید در آخر هفته به هیأت می‌رود. این هیأت می‌تواند علی‌رغم دادن امید توبه به شخص، او را برای جهاد اکبر و مبارزه جدی با نفس تشویق و تحریک کند؛ او را از عذاب الهی ترسانده و روحیه خودسازی را در شخص بارور سازد. اما همین بستر می‌تواند فضایی باشد که شخص با کمی گریه و پیدا کردن حال معنوی احساس بخشیده شدن پیدا کرده و خود را از عذاب وجدان گناهش خلاصی دهد. سپس با همان روحیه قبل به خانه و جامعه خویش باز گردد و در صورت فراهم شدن شرایط گناه، مجدداً به خطایی آلوده گردد.

در یک کلام نگارنده بر این باور است که هیأت باید بیشتر از لذت و آرامش، به انسان درد و دغدغه بدهد. یعنی مستمع جلسه، بجای اینکه پس از هیأت با شادی و سرور از مجلس دور شود، گاهی نیز لازم است که با درد و ناراحتی از مجلس اهل بیت علیهم السلام خارج شود. ناراحتی از خودساخته نبودن، ناراحتی از ضعف ایمان و تقوا، ناراحتی از جا ماندن از قافله شهدا، ناراحتی از کوتاهی در انجام وظائف، ناراحتی از غیبت امام زمان علیه السلام و ...

هم اکنون این تهدید در بسیاری از جلسات وجود دارد که سخنران و مداح، مستمع را با خودش درگیر نمی‌کند که او با سوالاتی ریشه‌ای درباره خود مواجه شده و راه اصلاح و خودسازی در پیش گیرد؛ بلکه جلسه مستمع را به حال معنوی رسانده، او را به مقامی کاذب نوید می‌دهد که تو با همین اشک‌ها اهل نجاتی و خیلی نیاز به مجاهدت و عبادات و ریاضات شرعی نداری. لذا اگرچه اندک اما بالاخره گاهی با مستمعینی مواجهیم که هیأتی بوده اما از انجام خطا ابا نداشته، بد دهن، بد قول، اهل دود و ... هستند و خود را نیز هم‌نشین مجاهدان و سالکان در بهشت می‌دانند.

۱۱ یکی از معروف‌ترین شهدای جوان مدافع حرم که داعش سر او را از بدن جدا کرد.

اینگونه می‌شود که خدای ناکرده هیأت بجای الگوسازی مثبت، الگوی منفی به جامعه ارائه می‌دهد؛ الگوهایی که با داشتن ظاهر مذهبی و فعال در عرصه هیأت و هیأت‌داری، از اخلاق دینی، حال معنوی و ملکوتی و صلابت و شجاعت انقلابی بهره‌ای نداشته، لذت‌گرایانی هستند که فقط برای کسب لذت‌های معنوی به دنبال دین و دینت هستند و نه انجام تکالیف در عرصه‌های سخت فردی و اجتماعی.

۵-۱ سکولاریسم دینی

تهدید جدی دیگر هیأت مذهبی، دور شدن آنان از فضای انقلابی و سیاسی است.

لازم به توضیح است که منظور ما از سیاست در اینجا، امور جناحی و حزبی و دعوی کسب قدرت در داخل کشور نیست؛ بلکه منظور ما از سیاست، مواجهه و مبارزه تاریخی جریان حق با جریان باطل در دنیاست که هم اکنون به نقطه حساسی رسیده و انقلاب اسلامی ایران به مرکز و محور اصلی جریان حق در دنیای کنونی تبدیل شده است.

هیأت مذهبی در دنیای کنونی نمی‌تواند دم از اهل بیت علیهم السلام بزند اما در مقابل دشمنان امروزی اسلام و جبهه استکبار جهانی سکوت کند. نمی‌شود که ما از امیرالمومنین علی علیه السلام دم بزنیم اما در مقابل کشتار شیعیان آن حضرت در یمن، بحرین، عراق، لبنان و ... بی تفاوت باشیم. رهبر معظم انقلاب در این باره به صراحت فرمودند که: «هیأت‌ها نمی‌توانند سکولار باشند؛ هیأت امام حسین سکولار ما نداریم! هر کس علاقه مند به امام حسین است، یعنی علاقه مند به اسلام سیاسی است، اسلام مجاهد است، اسلام مقاتله است، اسلام خون دادن است، اسلام جان دادن است؛ معنای اعتقاد به امام حسین این است. این که آدم در یک مجلس روضه یا هیأت عزاداری مراقب باشد که نبادا وارد مباحث اسلام سیاسی بشود، این غلط است.»^{۱۲}

در اینجا دو نکته حائز اهمیت است. یکی اینکه بدانیم جبهه استکبار در طول این سالها دریافته است که یکی از مراکز مهم تربیت نیروهای جان برکف جهان شیعی، هیأت‌های مذهبی است. دشمن فهمیده است که این جلسات امام حسین علیه السلام در طول سال و بالاخص در محرم و صفر است که موجب ترویج روحیه ظلم‌ستیزی و مبارزه طلبی شده است؛ لذا با درست کردن نسخه بدل در قالب تشیع انگلیسی به دنبال تهی کردن جلسات اهل بیت علیهم السلام از دو عنصر بصیرت و حماسه است. آنان می‌خواهند در جلسات ما، بر علیه آمریکا، اسرائیل و طرفدارانشان سخنی گفته نشده و توطئه‌هایشان تبیین

نگردد. آنان به دنبال این هستند که منبرها و مداحی‌های ما حماسی نبوده و جوانان را مشتاق مبارزه با آنان تربیت نکند. لذا اگر هیأتی فقط به ذکر فضائل اهل بیت علیهم السلام و روضه‌خوانی مصائب آنان پردازد، نه تنها با آن مخالف نیستند بلکه ممکن است از آن حمایت هم بکنند.

نکته دوم این است که ورود افراطی برخی هیأت، سخنرانان و ذاکران به مباحث سیاست داخلی و بالاخص حمایت از احزاب و افراد سیاسی باعث شده است که عده‌ای در مقابل این افراط به دام تفریط افتاده و دور هرگونه سخن سیاسی و حتی انقلابی را خط بکشند. حال آنکه اصل قیام سیدالشهداء علیه السلام یک حرکت سیاسی بوده و اگر آن حضرت در کنار خانه خدا یا مدینه النبی به بیان احکام و تدریس قرآن و سنت می‌پرداخت و به مقابله با یزید تن نمی‌داد، قطعاً عاشورایی رقم نمی‌خورد و خون پاکش بر زمین نمی‌ریخت.

اسلام دین جهاد و مبارزه با ظلم و کفر است و این مهم باید در جلسات مذهبی ما تبیین گردد تا خدای ناکرده در گذر زمان اسلام رحمانی - اسلام منهای جهاد - جایگزین اسلام ناب نگردد و زحمات امام خمینی (ره) بر باد نرود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَغْزُ، وَ لَمْ يُحَدِّثْ بِ نَفْسِهِ، مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِّنْ نِّفَاقٍ». (حجاج نیشابوری، بی تا: ج ۶، ص ۴۹) یعنی: کسی که جهاد نکرده یا آرزوی جهاد نداشته باشد و بمیرد به نوعی نفاق مرده است. پس طبق این حدیث نورانی اگر مستمعین جلسات ما طوری تربیت شدند که آرزوی جهاد و شهادت در سر نداشتند، معلوم می‌شود ما مبلغ و مروج اسلام ناب محمدی نبوده‌ایم.

۲- فرصت‌ها :

فرصت‌های موجود در جلسات مذهبی ما بیش از گنجایش این نوشتار است. در اینجا فقط به برخی از بارزترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱-۲ حضور داوطلبانه جوانان

از مهمترین فرصت‌های موجود در جلسات اهل بیت علیهم السلام، بالاخص فی زماننا هذا، حضور پرشور جوانان است. شاید تاریخ کمتر به خود دیده باشد که در دوره‌ای انقدر جوان در جلسات مذهبی شرکت کرده و داوطلبانه از راه‌های دور و نزدیک خود را به منابر و مداحی‌ها برسانند.

جوانی حائز ویژگی‌هایی خاص است که آن را از دیگر ادوار عمر متمایز می‌سازد. اولین ویژگی آن تأثیرپذیری است. امام علی علیه السلام فرمودند: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ص ۳۹۳، نامه ۳۱) دل جوان مانند زمین آماده است که هر بذری در آن افشاندن شود، می‌پذیرد. حضور جوانان در سخنرانی‌های مذهبی، جلسات مناجات و مداحی بهترین فرصت است برای تربیت اخلاقی، معنوی و انقلابی آنان طبق شاخص‌های صحیح دینی.

خصوصیت دیگر جوانان دل‌های آماده آنان برای پذیرش حق است. جوانان بخاطر رقت قلب و وابستگی کمتر به دنیا، زودتر با خدا و دین همراه شده، جبهه حق را یاری می‌کنند. در این زمینه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَوْصِيكُمْ بِالشُّبَّانِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقَى أَفْنِدَةً إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِشِيرَا وَنَذِيرًا فَحَالْفَنِيِّ الشُّبَّانُ وَخَالَفَنِي الشُّيُوخُ، ثُمَّ قَرَأَ: فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ» (قمی، ۱۴۱۴ ق: ج ۲، ص ۱۷۶) یعنی: شما را به نیکی با جوانان سفارش می‌کنم، چرا که آنان، دل‌های رقیق‌تری دارند، به‌راستی که خداوند، مرا بشارت دهنده و هشدار دهنده برانگیخت، جوانان با من هم‌پیمان شدند و پیران با من به مخالفت برخاستند. آن‌گاه این آیه را خواندند: «و عمر آنان به درازا کشید و دل‌هایشان سخت گردید.» در انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، دفاع از حرم و ... هم می‌بینیم که این جوانان هستند که همیشه در خط مقدم حضور دارند.

ویژگی دیگر جوانان تیزهوشی آنان است. اگر کار فرهنگی در اختیار جوانان قرار بگیرد، یا حداقل با آنان مشورت شود، خیلی از گره‌های فرهنگی تربیتی باز خواهد شد. امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: «إِذَا احْتَجَّتْ إِلَى الْمَشُورَةِ فِي أَمْرٍ قَدْ طَرَأَ عَلَيْكَ فَاسْتَبَدَّ بِبِدَايَةِ الشُّبَّانِ، فَإِنَّهُمْ أَحَدٌ أَذْهَانًا وَ أَسْرَعُ حَدْسًا، ثُمَّ رُدَّهُ بَعْدَ ذَلِكَ إِلَى رَأْيِ الْكُهُولِ وَ الشُّيُوخِ لَيْسَتْ عَقْبُوهُ وَ يُحْسِنُوا الْأَخْتِيَارَ لَهُ، فَإِنَّ تَجْرِبَتَهُمْ أَكْثَرُ» (ابن‌أبی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق: ج ۲۰، ص ۳۳۷) یعنی: هرگاه به مشورت نیازمند شدی، نخست به جوانان مراجعه نما، زیرا آنان ذهنی تیزتر و حدسی سریع‌تر دارند. سپس (نتیجه) آن را به نظر میان سالان و پیران برسان تا پیگیری نموده، عاقبت آن را بسنجند و راه بهتر را انتخاب کنند، چرا که تجربه آنان بیشتر است. «

نگارنده باور دارد که هیأت ایده‌آل هیأتی است که بتواند اولاً برای جوانان در سه بعد اخلاق فردی و اجتماعی، معنویت و انقلابی‌گری الگوی صحیح (مانند شهداء) ارائه دهد و ثانیاً خود از جوانان خویش، در همین ابعاد الگو بسازد و به جامعه ارائه کند. می‌توان با تحقیق نشان داد که بسیاری از شهدای ما تربیت شدگان همین جلسات بوده‌اند که هم اکنون به عنوان الگو برای نسل حاضر نورافشانی می‌کنند.

یکی از مهمترین فرصت‌هایی که ما در مکتب تشیع داریم و دیگران غالباً از آن محروم هستند، فرصت آموزش دین در جلسات اهل بیت علیهم السلام است. رهبری معتقد است: «ما مسلمانها و بخصوص ما شیعیان، امتیازی داریم که دیگر ملیتها و ادیان این امتیاز را به قدر ما ندارند و آن عبارت است از اجتماعات دینی که به شکل روبه‌رو، چهره به چهره، نفس به نفس تشکیل می‌شود که این را در جاهای دیگر دنیا و در ادیان دیگر کمتر می‌شود پیدا کرد. هست؛ نه به این قوت، نه به این وسعت، نه به این تأثیرگذاری و محتواهای راقی.»^{۱۳}

بسیاری از هیأت‌ها در سطح کشور دارای جلسات هفتگی هستند. برخی جلسه ماهانه دارند. بعضی هم فقط در مناسبت‌ها برنامه می‌گیرند. خیلی از جلسات هم برنامه هفتگی دارند و هم مناسبتی. گاهی تا یک سوم شب‌های سال در برخی هیأت جلسه برقرار است. حال اگر در هر جلسه فقط نیم ساعت سخنرانی داشته باشیم، در طول ده سال چند ساعت سخنرانی ارائه کرده‌ایم؟ با عددی شگرف مواجه خواهیم شد. اگر این زمان بطور فکر شده، راهبردی و با برنامه‌ریزی مناسب به تدریس آموزه‌های دینی اختصاص یابد، بیش از مدرسه، دانشگاه و هر رسانه و کلاسی می‌تواند آموزش دینی را پیش ببرد.

باید هیأت در طول سالیان گوناگون، یک دوره آشنایی با عقائد، یک دوره تفسیر قرآن، یک دوره بیان احکام، نهج البلاغه، بصیرت سیاسی و... را در برنامه خود گذاشته و با کمک آن در الگوسازی اخلاقی، معنوی و انقلابی جامعه ایفای نقش کنند. اما در بسیاری از موارد با دعوت سخنرانان گوناگون این فرصت ناب به بیان مطالب تکراری و گاهی کم اهمیت سپری شده و مستمع ما پس از بیست سال حضور در هیأت، با عقائد، تفسیر، تاریخ، سیره ائمه علیهم السلام و... بیگانه بوده و یا آشنایی حداقلی دارد و به اعتقاد نگارنده این یک فرصت‌سوزی جدی محسوب می‌شود.

باید به جد به هیأت به چشم یک کلاس درس نگاه شود؛ البته کلاسی با بنیه انگیزشی بالا. به تعبیر دیگر مداحی و فضای عاطفی هیأت که از محبت شیرین اهل بیت علیهم السلام نشأت می‌گیرد، بهترین انگیزه برای حضور مردم و بالخصوص جوانان در فضای هیأت، حسینیه‌ها و مساجد است. حال می‌توان از این ظرفیت استفاده کرد و طی ساعت‌ها آموزش، جوانانی اخلاقی، معنوی، عالم و انقلابی تربیت کرد. آری! هیأت باید بیش از یک هیأت ترویجی و تبلیغی، یک هیأت تربیتی باشد. در این صورت است که الگوسازی مد نظر ما تحقق عینی پیدا خواهد کرد. ان شاء الله...

«بدون شک اسلام یک دین انقلابی است» (مطهری، بی تا: ج ۱، ص ۴۶۲) و برای تحقق منویات رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، نیازمند جوانانی انقلابی هستیم که بتوانند به محتوای آن سند راهبردی جامه عمل بپوشانند. به نظر می‌رسد بهترین جا برای تربیت جوانان انقلابی و ترویج روحیه انقلابی میان آحاد مردم بدون افراط‌ها و تفریط‌ها، جلسات امام حسین علیه السلام باشد.

انقلابی‌گری دارای دو بخش است. بخشی ظواهر عملی آن مانند حضور در صحنه، پیروی از ولایت، امر به معروف و نهی از منکر و مانند آن است؛ اما بخش دیگر آن، مبانی نظری انقلابی‌گری و درک ریشه‌های عقلانی و وحیانی آن است که اولاً در بخش دوم و ثانیاً در بخش اول، هیأت مذهبی می‌تواند بسیار موثر واقع شوند؛ یعنی اولاً باید مبانی روحیه انقلابی در جلسات اهل بیت علیهم السلام بطور اصولی و صحیح و بر پایه قرآن و سنت به جوانان آموزش داده شود و ثانیاً برای حضور در صحنه‌های انقلابی مورد نیاز جامعه از ظرفیت هیأت استفاده کامل صورت پذیرد.

لازم است به برخی شاخصه‌های اصلی انقلابی بودن در مکتب تشیع اشاره کنیم تا مراد ما از روحیه انقلابی روشن گردد.

الف / امر به معروف و نهی از منکر:

امام حسین علیه السلام که مظهر انقلابی‌گری اسلام است علت اصلی قیام و انقلاب خود را همین عامل معرفی کرده است: «أُرِيدُ أَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْيًا عَنِ الْمُنْكَرِ أَسِيرٌ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ سِيرَةِ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ». (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ص ۸۹) یعنی: من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش جدم و پدرم علی بن ابیطالب عمل کنم. « شهید مطهری هم به همین مهم اشاره کرده و محور انقلابی بودن سیدالشهداء علیه السلام را همین امر به معروف می‌داند: «اینجاست که نشان می‌دهد امام حسین تا چه اندازه روی عامل امر به معروف و نهی از منکر تکیه دارد و اوست که به این دولت و حکومت فاسد هجوم آورده است. از نظر این عامل، امام حسین مهاجم به حکومت فاسد وقت است، نائر و انقلابی است.» (مطهری، بی تا: ج ۷، ص ۱۴۸)

پس حداقل یکی از مصادیق ترویج روحیه انقلابی، ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر است که می‌توان در جلسات امام حسین علیه السلام مردم را با آن آشنا کرد.

ب/ دشمن شناسی:

یکی از عوامل انقلابی بودن صحیح، شناخت درست دشمن و نوع دشمنی اوست. اگر این مؤلفه درست کار نکند، گاهی انقلابی گری بجای نقش آفرینی مثبت، خسارت بار می شود.

رهبر انقلاب در اهمیت دشمن شناسی فرمودند: «می خواهم به شما و به هر کسی که این حرف را خواهد شنفت بگویم: دشمن را بشناسید، دشمن را بشناسید. یکی از خطراتی که هر ملّتی را تهدید می کند این است که دشمنِ خودش را نشناسد، دشمنِ خودش را دشمن نداند؛ یا دوست بداند یا بی طرف بداند؛ این خطر خیلی بزرگی است. این خواب رفتگی است. هم دشمن را بشناسید، هم روش های دشمنی اش را بشناسید؛ ببینید چه جور دشمنی می کند. دچار غفلت نشویم؛ اگر غفلت کردیم، غارت خواهیم شد؛ اگر غفلت کردیم، شیخون به ما زده خواهد شد؛ غفلت نکنیم. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود – در نهج البلاغه است: وَ اللَّهُ لَا أَكُونُ كَالضَّبْعِ تَنَامُ عَلَى طَوْلِ الدَّمِّ؛ (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ص ۵۳، خطبه ۶) یعنی: من مثل آن حیوانی نخواهم بود که معمولاً برای اینکه به خواب برود، یک آهنکی می خواند و او به خواب می رود؛ من خواب نخواهم رفت، بیدارم و می فهمم دُوروبرم چه می گذرد. از ما هم همین را خواسته اند. نباید به خواب برویم، نباید غفلت کنیم.»^{۱۴}

یکی از دروسی که می تواند در هیأت مذهبی ما برای مردم تدریس گردد همین موضوع دشمن شناسی است. البته به شدت باید مراقب بود که این مهم، به نقد جریانات سیاسی و اتهام زنی های مرسوم رسانه ای و روزنامه ای تقلیل پیدا نکند بلکه شاخصه های دشمنان اسلام و انقلاب و خصائص منافقان بر پایه مستندات قرآنی، روایی، نمونه های تاریخی و بر مبنای سخنان امامین انقلاب بیان گردد.

ج/ عقلانیت:

برخی احساس می کنند انقلابی گری روحیه ای برگرفته از احساسات و هیجانان انقلابی است و با عقلانیت نسبتی ندارد و اگر مخالف آن نباشد، حداقل موافق آن نیز نیست؛ حال آنکه انقلابی بودن در معنای صحیح خود روحیه ای برگرفته از عقلانیت است و این دو با هم لازم و ملزوم هستند.

رهبر انقلاب در این زمینه معتقد است: «انقلاب اسلامی، نتیجه‌ی گفت‌وگو با عقلا و محاسبه و تحلیل عقلانی مردم انقلابی بوده است.^{۱۵}» این سخن به آن معناست که نه تنها انقلابی بودن در تعارض با عقلانیت نیست بلکه ثمره و خروجی آن است. پس باید گفت برای ترویج روحیه انقلابی‌گری در جامعه باید عقلانیت مردم و جوانان را افزایش داد؛ چیزی که گاهی در برخی از معدود منابر و بخشی از مداحی‌های جلسات، مورد کم‌مهری قرار می‌گیرد و با شنیدن برخی مطالب و اشعار، مستمع و مخاطب خیال می‌کند که لازمه عشق به حضرات آل الله علیهم السلام، جنون و دوری از عقلانیت است، در حالی که جنون حسینی خود نیز از ثمرات تکامل عقل در انسان است و این عقلا هستند که عاشقان حقیقی اهل بیت علیهم السلام را تشکیل می‌دهند.

هر که از عشق تو دیوانه نشد عاقل نیست. عاقل آن است که از عشق تو دیوانه شود.

د/ دوری از افراط در انقلابی‌گری:

آفت انقلابی‌گری بالاخص در میان جوانان انقلابی، افراط است. افراط که گاهی بخاطر بی‌نظمی، کم‌بصیرتی و تحلیل‌های غلط و احساسی، ناشی می‌شود، می‌تواند اثرات مثبت روحیه انقلابی را خراب کرده و حتی موجب اثر عکس گردد. رهبری انقلاب در این رابطه فرموده‌اند: «بارها گفته‌ام، باز هم تکرار می‌کنم، من معتقدم که جوان مملکت بایستی در همه میدان‌ها حضور و آمادگی داشته باشد، منتها با انضباط، این گونه حرکاتی که ملاحظه شد، کسانی به دانشگاه حمله کنند، ناشی از بی‌انضباطی است با هر نامی انجام بگیرد، غلط و محکوم است. اگر با نام دفاع از دین هم انجام بگیرد، غلط است اگر با نام دفاع از ولایت هم انجام بگیرد، غلط است. مگر من بارها نگفته‌ام که در اجتماعات کسانی که مخالفند هیچ کس نباید رفتار خشونت‌آمیز داشته باشد؟ چون این کار دشمن را خوشحال می‌کند.^{۱۶}»

گاهی افراط در تندی کردن و خشونت و فریاد زدن بر دوستان و ... است و گاهی هم افراط در انقلابی‌گری، زیر پا گذاشتن اخلاق اسلامی به بهانه روحیه انقلابی است، که هر دو محکوم است. رهبر انقلاب معتقد است که باید اخلاق، تقوا و انصاف را رعایت کرد و به آن پایبند بود: «اگر کسی دنبال براندازی و اجرای دستور دشمن نیست ولی با مذاق و تفکر

۱۵ بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۶/۸ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36756>

۱۶ بیانات مورخ ۱۳۷۸/۰۴/۲۲ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2959>

سیاسی ما مخالف است، نباید عدالت و امنیت را از او سلب و او را زیر پا له کنیم؛ چرا که به فرموده قرآن مخالفت با یک قوم، نباید موجب بی‌تقوایی و بی‌عدالتی شود^{۱۷} و همه باید در این زمینه‌ها هوشیار و مراقب باشند^{۱۸}»

۵/ تبعیت از رهبری:

انقلابی بودن به معنای بی‌نظمی و انجام هر کار پرحرارتی نیست. انقلابی بودن بر خلاف تعریف عوامانه، کاملاً منطبق بر عقلانیت، اخلاق و نظم است. فرد انقلابی گوش به فرمان رهبرش بوده و جلوتر از او گام بر نمی‌دارد.

شاید تبعیت محض از رهبری مهمترین شاخصه یک فرد انقلابی شیعی است. مهمترین درس کربلا نیز به عنوان بزرگترین حادثه انقلابی شیعه همین است. اگر سلیمان بن صرد خزاعی و امثال او در زمان لازم به یاری فرستاده امام می‌شتافتند، شاید با پیروزی قیام مسلم بن عقیل علیه السلام در کوفه، کربلا و عاشورایی بوجود نمی‌آمد و تاریخ شیعه و اسلام بکلی عوض می‌شد.

در یک کلام نمی‌توان ادعای انقلابی بودن داشت و از فرامین و منویات ولی فقیه اطاعت نکرد. همان قدر که افراط در ولایت‌مداری قبیح است، تفریط در آن و پشت گوش انداختن نظرات و دستورات رهبری نیز محکوم و با انقلابی‌گری در تضاد است.

۲-۴ بستر مناسب انسجام و وحدت آفرینی

فرصت دیگر هیأت مذهبی، شرایط وحدت آفرینی آنان است. هیأت از قدیم جایی بوده است که در آن، همه گونه مردم فارغ از سلیقه سیاسی و نوع فکر و سطح اعتقادات، شرکت می‌کردند و حتی در دهه محرم، مومن متقی و فاسق شهره شهر در کنار هم و زیر یک خیمه به عزاداری می‌پرداختند و این معجزه‌ایست که فقط از دستگاه با عظمت سیدالشهداء علیه السلام و حضرات معصومین صلوات... علیهم برمی‌آید.

باید مراقب بود این ویژگی مهم هیأت از بین نرود. اگرچه همانطور که پیش‌تر اشاره شد، باید در هیأت آموزه‌های دین و مبانی شیعی تبیین گردد و روحیه انقلابی به انحاء مختلف نظری و عملی ترویج گردد اما همه اینها باید به گونه‌ای باشد که مانع حضور افراد غیر انقلابی و حتی غیر دینی نیز در مجلس نگردد. هیأت با اینکه وظیفه دارد مردم و جوانان را انقلابی و با

۱۷ اشاره به آیه ۸ سوره مبارکه مائده: وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ ۤأَلَّا تَغْدُلُوا اِغْدُلُوا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ: و البته شما را نباید عداوت گروهی بر آن دارد که از راه عدل بیرون روید، عدالت کنید که به تقوا نزدیکتر است.

۱۸ بیانات مورخ ۱۳۹۰/۰۳/۱۴ <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=12596>

تقوا تربیت کند؛ اما در عین حال مجلس امام حسین علیه السلام برای همه است و هر کس با هر فکر و عمل و ظاهری باید بتواند در آن حضور یافته و ذره‌ای احساس بیگانگی و نامحرمی نکند.

یادآوری سخنان رهبری معظم انقلاب در استان خراسان شمالی درباره حجاب برخی استقبال کنندگان جای تأمل دارد: «... ممکن است ظاهر زنده‌ای داشته باشد؛ داشته باشد. بعضی از همین هائی که در استقبال امروز بودند ... خانم‌هائی بودند که در عرف معمولی به آنها می‌گویند «خانم بدحجاب»؛ اشک هم از چشمش دارد می‌ریزد. حالا چه کار کنیم؟ ردش کنید؟ مصلحت است؟ حق است؟ نه، دل، متعلق به این جبهه است؛ جان، دلباخته‌ی به این اهداف و آرمانهاست. او یک نقصی دارد. مگر من نقص ندارم؟ نقص او ظاهر است، نقصهای این حقیر باطن است.»^{۱۹}

داستان مرحوم رسول ترک نمونه بارزی از این مهم است که ما اجازه راندن احدی را از مجالس اهل بیت علیهم السلام نداریم. حتی جوان گنهکاری که به فسق مشهور است هم می‌تواند در خیمه اباعبدالله... علیه السلام در کنار مؤمنان و اهل تقوا به عزاداری پردازد و این خود امام حسین علیه السلام است که با نور الهی خود او را به مسیر توبه و تقوا هدایت خواهد کرد.^{۲۰}

۵-۲ بسیج برای خدمت‌رسانی گسترده به مردم

از مهمترین فرصت‌های موجود در هیأت‌های مذهبی، امکان بسیج مردم برای خدمت‌رسانی به مردم علی‌الخصوص محرومان و مستضعفان است. یکی از مهمترین دستورات دینی ما که برگرفته از آیات نورانی قرآن و اقوال و افعال حضرات معصومان علیهم السلام است، خدمت به مردم علی‌الخصوص فقرا و محرومان جامعه است. این مهم چیزی نیست که بتوان از کنار آن به سادگی گذشت و یا خدای ناکرده آن را نادیده گرفت.

از آنجایی که یکی از مهمترین کارهای امام حسین، امیرالمؤمنین و دیگر ائمه علیهم السلام، رسیدگی به فقرا و خدمت به محرومان بوده است، از دیرباز یکی از کارکردهای جلسات امام حسین علیه السلام، خدمت‌رسانی به فقرا بوده است. جمع‌آوری کمک برای خرید جهیزیه عروس، راه‌اندازی صندوق قرض الحسنه، تأسیس خیریه و مرکز نیکوکاری، کمک به

۱۹ بیانات مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۱۹ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21151>

۲۰ ر.ک. <https://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=934&articleid=271155>

آزادسازی زندانیان و . . . اموری است که می‌توان در کنار برگزاری هیأت، به آنها اهتمام کرد و هیأت را از بُعد معنوی صرف خارج کرده، با کمک آن دنیای مردم را نیز آباد نمود.

باید توجه داشت که نباید با نگاهی صوفی‌مآبانه، اخلاق و معنویت را از جنبه‌های اجتماعی جدا و طوری وانمود کرد که خدمت‌رسانی به مردم ناشی از بعد انقلابی هیأت است؛ خیر! اتفاقاً در مکتب اهل بیت علیهم السلام راه رسیدن به قله‌های اخلاق و معنویت از میان همین خدمت به خلق می‌گذرد تا جایی که فرموده‌اند: «من سعی فی حاجهٔ أخیه المؤمن فکأنما عبد الله تسعةً آلاف سنة صائماً نهاره، قائماً ليله. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۷۱، ص ۳۱۵) یعنی: هر فردی که در برآوردن نیاز برادر مؤمنش تلاش کند، گویا نه هزار سال خداوند را عبادت کرده، در حالی که روزها را روزه‌دار و شب‌ها را شب‌زنده‌دار بوده است.»

اگر بنا باشد خدمت‌رسانی به مردم را در یک بستر اجتماعی تعریف کنیم، هیأت مذهبی یکی از بهترین بسترهای مردمی برای انجام اینگونه حرکت‌ها هستند.

قرآن کریم

ابن ابی الحدید، عبد الحمید. ۱۴۰۴ ق. شرح نهج البلاغه. قم. مکتبه آیه الله المرعشی النجفی. چاپ اول.

ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۷۸ ق. عیون أخبار الرضا علیه السلام. تهران. نشر جهان. چاپ اول.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. ۱۳۷۹ ق. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام. قم. نشر علامه. چاپ

اول.

امام خمینی، روح ا.... بی تا. صحیفه امام. تهران. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. چاپ اول.

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. ۱۳۷۴ ش. البرهان فی تفسیر القرآن. قم. مؤسسه بعثه. چاپ اول.

حجاج نیشابوری، مسلم. بی تا. صحیح مسلم. ترکیه. المکتبه الوقفیه.

حسینی تهرانی، سید محمد حسین. ۱۴۲۶ ش. امام شناسی. مشهد. علامه طباطبایی. چاپ سوم.

شریف رضی، محمد. ۱۴۱۴ ق. نهج البلاغه (للسبیحی صالح). قم. هجرت. چاپ اول.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ ق. وسائل الشیعه. قم. مؤسسه آل البيت علیهم السلام. چاپ اول.

قمی، عباس. ۱۴۱۴ ق. سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار. قم. اسوه. چاپ اول.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. ۱۴۰۳ ق. بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار (ع). بیروت. دار

إحياء التراث العربی. چاپ دوم.

مطهری، مرتضی. بی تا. مجموعه آثار استاد شهید مطهری. تهران. انتشارات صدرا. چاپ اول.

نوری، حسین بن محمد تقی. ۱۴۰۸ ق. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم. مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

چاپ اول.

• پایگاه اطلاع رسانی رهبر معظم انقلاب به آدرس: <http://farsi.khamenei.ir>